

بسم الله الرحمن الرحيم

از ایران چه می دانم؟ / ۱۳۹

سعدی شیرازی

دکتر کوروش کمالی - بروجردی



دفتر پژوهشهای فرهنگی

کمالی سروستانی، کوروش، ۱۳۴۱ -

سعدی شیرازی / کوروش کمالی سروستانی - تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۹۷.

۱۳۲ ص: مصور - (از ایران چه می دانم؟ ؛ ۱۳۹)

ISBN: 978-964-379-460-6

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

ص.ع. به انگلیسی: Kurosh Kamâli Sarvestâni. Sâdi Shirâzi

کتابخانه: ص. [۱۲۵]-۱۳۲.

۱. سعدی، مصلح بن عبدالله، - ۹۶۹۱ ق. - سرگذشتنامه. ۲. سعدی، مصلح بن عبدالله،

- ۹۶۹۱ ق. - نقد و تفسیر. ۳. شعر فارسی - قرن ۷ ق. - تاریخ و نقد. الف. دفتر

پژوهشهای فرهنگی. ب. عنوان.

۸۶۱/۳۱

۱۳۹۷ س ۷ ک ۵۲۱۵ / PIR

۵۳۷۹۳۵۲

کتابخانه ملی ایران

ISBN: 978-964-379-460-6

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۹-۴۶۰-۶

* سعدی شیرازی از ایران چه می دانم؟ / ۱۳۹

مؤلف: کوروش کمالی سروستانی

* ویراستار: مریم رفیعی

* تصویر روی جلد: آرامگاه سعدی؛ رعنا جوادی

* طراح جلد و صفحه آرا: ایده داورزنی

* شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه * چاپ اول: ۱۳۹۷

روش نگارش اسامی فارسی در بخش عنوان لاتین و پشت جلد کتاب، بر مبنای قاعده منتخب دفتر پژوهشهای فرهنگی است. برای اطلاع از این روش می توانید به وبسایت www.iranculturalstudies.com مراجعه کنید.

همه حقوق محفوظ است. هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی دفتر پژوهشهای فرهنگی ممنوع است.

دفتر پژوهشهای فرهنگی



مراکز اصلی پخش و فروش:

• دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر کمالی، کوچه باقری

قصرالدشتی، شماره ۵، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۹۱۳

صندوق پستی: ۴۶۹-۱۵۸۷۵

دورنگار: ۸۸۳۰۲۴۸۵

تلفن: ۸۸۲۱۳۶۴

تلفن های فروش: ۸۸۴۹۴۶۱، ۰۹۳۵۲۴۷۹۸۴۷

پست الکترونیک: lahze1386@gmail.com

فروش الکترونیک: www.iranculturalstudies.com

• پخش مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نبش خیابان شهید وحید نظری، شماره ۲۵۵.

دورنگار: ۶۶۶۵۰۱۴۶

تلفن: ۶۶۴۱۷۵۳۲، ۰۹۱۲۲۱۷۷۶۴۷

یادداشت

با توجه به تحولات نوین فرهنگی در جامعه امروز، نیاز همه ایرانیان، به ویژه جوانان تیزبین و پرسشگر، به بررسی‌های جدید علمی و مستمر درباره تاریخ پرفراز و نشیب ایران زمین و زبان و فرهنگ و تمدن آن، بیش از گذشته نمودار شده است. از این رو، دفتر پژوهشهای فرهنگی با شناخت این امر و در جهت دسترسی بیشتر دیدگاه‌های همه‌جانبه و عمیق فرهنگی، تلاش مستمر را آغاز کرده و بر آن است تا با انتشار مجموعه از ایران چه می‌دانید: آگاهی‌های مهم، دقیق و سودمندی را در حوزه‌های گوناگون ایران پژوهی در دسترس همه دوستداران ایران و جوانان زنده نگه‌دارنده آن قرار دهد.

امید است که این دفتر بتواند با ارائه این نوع پژوهش‌ها، ضمن ایجاد پیوندی ناگسستنی میان فرهنگ امروز و دیروز و دوری از هرگونه ذهنیت و جانبداری‌های یک‌سویه و غیرعلمی، زمینه تبادل نظر و اندیشه را میان همه دانر ایرانی و علاقه‌مندان این عرصه فراهم سازد و در شکوفایی حرکت‌های نوین فرهنگی و اندیشه‌پرور و ایجاد آینده‌ای بهتر برای این سرزمین، نقشی شایسته و مفید ایفا کند.

فهرست مطالب

۷	پیش‌سخن
۱۳	فصل اول. زندگی و زمانه سعدی
۱۳	۱. نام و سان
۱۶	۲. سفرهای سعدی
۲۰	۳. روزگار سعدی و عهد اتابکان فارس
۲۲	۴. شیراز در دوران سعدی
۲۵	فصل دوم. آثار، زبان و مدحیات سعدی
۲۵	۱. سعدی و مُلک سخن
۲۷	۲. کلیات سعدی
۴۶	۳. زبان سعدی
۴۹	۴. مدح و ممدوح
۵۳	فصل سوم. جهان‌معنایی سعدی
۵۳	۱. خدای سعدی
۵۷	۲. عرفان سعدی
۵۸	۳. عشق سعدی
۶۶	۴. سعدی؛ عقل و عشق
۷۰	۵. اخلاق‌مداری سعدی
۷۲	۶. تساهل و مدارا
۷۷	۷. حکومت و رعیت

- ۷۹ ۸. آرمان شهر سعدی
۸۰ ۹. جمال پرستی سعدی
۸۱ ۱۰. طنز سعدی
۸۴ ۱۱. امثال و حکم سعدی

- ۸۷ فصل چهارم. صیت سخن سعدی
۸۷ ذکر جمیل
۸۸ ۲. سعدی در دوران معاصر
۹۱ ۳. سعدی در اقصای عالم
۹۴ ۴. ستایش از سعدی
۹۷ ۵. سعدی فرنگ انی

- ۹۹ فصل پنجم. یادمان سعدی
۹۹ ۱. آرامگاه سعدی
۱۰۳ ۲. یادروز سعدی

- ۱۰۵ فصل ششم. سعدی به روایت پژوهش و آثار
۱۰۵ ۱. سعدی پژوهی و دانشنامه سعدی
۱۰۸ ۲. نسخه های خطی آثار سعدی
۱۰۸ ۳. نسخه های چاپی آثار سعدی
۱۱۰ ۴. گزیده آثار سعدی

- ۱۱۵ سخن پایانی
۱۱۹ تصاویر
۱۲۵ مآخذ

پیش سخن

سعدی بگانه‌ای است که سحر کلامش به غایت اعجاز دست می‌یازد. ذکر جمیلش در افواه ابرام افتاده و صیت سخنش را که در بسیط زمین رفته، همچون شکر می‌خورند. رقعۀ منشآتش را چو کاغذ زر می‌برند. سعدی بزرگ‌مردی است که در نشستن عزلت خویش، روح سخن را چنان می‌پرورد که باد خزان را بر آن دست تپ اول نیست و گردش زمان، عیش ربیعش را به طیش خریف مبدل نمی‌سازد. حال که پوسته بر این باور است که «هر چه نباید، دل‌بستگی را نشاید» و از این روی، برای نزهت ناظران و فسحت حاضران گلستان را در حسن معاشرت و آداب محاورت، بر لباسی که متکلمان را به کار آید و مترسلان را بلاغت بیفزاید، تصنیف می‌کند.

اتابکان سلغری دیری بود که فاتحان و حاکمان فارس به دند و در روزگار هجوم مغولان، به درایت، شیراز را از تندباد حوادث برکنار داشته و نشان داده بودند که «تنها دلیری و گستاخی، دلیل پیروزی ملت‌ها نیست. تدبیر و کشورداری نیز لشکر شکست ناپذیر خود را دارد».

شیراز قرن هفتم، شیراز اتابکان هوشیاری است که بخردانه با پرداخت خراج به مغولان، کارستانی کردند تا به دور از تشویش‌ها و آسیب‌های آنان، مردمان را زندگی باشد و شهر را پایدگی. در شیراز قرن هفتم امامزادگان ارج نهاده می‌شدند، مسجدها و باغ‌های مصفا و بازارهای زیبا ساخته می‌شدند، علما به

کنکاش دانش می پرداختند، عرفا در جست و جوی حقیقت پنهان بودند، زاهدان به عبادت و می خواران به شادخواری مشغول بودند. شیراز را «دارالعلم» و «برج اولیا» می خواندند. اعتدال و میانه روی، شهر را متنوع ساخته بود؛ مردمان در مسجد، دیر، کُنشت^۱، صومعه و کلیسا، به ستایش خداوندگار می پرداختند.

شاعر بزرگ ایران زمین «سعدی» تخلص شاعری خود را به دلیل مرادوت و رادب به اتابکان سلغری از سعدبن ابوبکر بن سعد زنگی ستانده بود؛ افسح المتکلمین مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی، در سال ۶۰۶ هجری در خاندانی که همه نالمان دین بودند، در شیراز زاده شد. در کودکی پدر از سر برفتش، به همان ۱۴ ساله بود که شیراز پر آشوب و تشویش را وانهاد و به طلب علم، تشویش را در ده مدرسه نظامیه و مستنصریه اش در آن روزگار شهره جهان اسرم کرد. در آن جا سخت خواند و خطیب، شاعر، فقیه، عالم و عارف شد و در محضر: داناتی چون ابن جوزی و شهاب الدین سهروردی روید و بالید.

به روایت آثارش اقصای عال را درنور دیده و شام، حجاز، روم و سرزمین مادری را دیده بود.

به سال ۶۵۵ هجری، آن گاه که فارس از آشوب و تشویش آسوده بود، به شیراز بازگشت و در رباط شیخ کبیر، ابو عبدالله بن حفص شیرازی، رحل اقامت افکند و به راه گشایی و خدمت خلق پرداخت. شیراز، نبوغ سعدی و ره آوردهای سفر، درهم تنیده شد و در آن سال، بوستان سعدی شیخ را اتفاق بیاض^۲ افتاد: «به روز همایون و سال سعید/ به تاریخ فرخ میان دو عید/ ز ششصد فزون بود پنجاه و پنج/ که پُر شد این نامبردار گنج» (سعدی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۵).

۱. کنیه، معبد یهودیان.

۲. یادداشت، پاک نویس.

مثنوی معتدل حکمی بوستان، والاترین مثنوی حکمی در زبان فارسی است. شیخ پس از آفرینش حکمت‌های بوستانی خود، نامبردارتر و شامخ‌تر از پیش، در شیراز می‌درخشید. بر ما روشن نیست که حداثت میان آفرینش دو اثر گران سنگ بوستان و گلستان، شیخ به چه دلیل قصد عزلت کرد و دامن از صحبت فراهم چید؛ اگرچه خود در مقدمه گلستان گفته است: «یک شب تأمل ایام گذشته می‌کردم و بر عمر تلف کرده تأسف می‌خوردم و سنگ سراجۀ دل به الماس آب دیده می‌سافتم و این بیت‌ها مناسب حال خود می‌گفتم: ای که پنجاه رفت از رخساری / مگر این پنج روز دریایی» (۱۳۷۶، ص ۳۱) و پس از این است که به «سرار دوستی که در «کجاوه انیس» او بودی و در «حُجره جلیس»، بخت با زبان فارسی با من بشود و زبان سعدی در کام نمی‌ماند و گلستان به سال ۶۵۶ هجری آفریده می‌شود.

آفرینش غزل‌های عاشقانه، روایت عرفانی، قصاید فاخر، مجالس بشکوه، نصیحة‌الملوک خردمندانه و رباعیات و قطعات شاعرانه، هر روز بر صیت سخن شیخ از کران تا به کران قلمرو زبان فارسی و از یزد و قزوین و قزوین و قزوین می‌آیند و می‌روند، اما سعدی هم‌چنان ماندگار می‌ماند.

در دوره اتابکی آتش‌خاتون^۱، مأموران مغول امور فارس و شیراز را اداره می‌کنند. سعدی شیراز آشفته و اسیر در چنگال سفله‌ها را به بی‌تابی از روزگار به رنجش می‌افتد. دلش از خطۀ شیراز می‌گیرد؛ که روزگار سفله‌ها را، وفا و عهد مودت میان اهل ارادت را شکسته و پیادگان را فرزین عرش شیراز کرده است. ترک دیار به قصد زیارت یار می‌کند. به سال ۶۶۲ هجری، بغداد نخستین منزلگاه اوست و در بازگشت از زیارت خانۀ خدا، به تبریز می‌رود

۱. باشکوه.

۲. آتش‌خاتون دختر اتابک سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی و ترکان‌خاتون ملکه ایران در قرن هفتم هجری بود. او تنها فرمانروای زن استان فارس بود که از سوی ایلخان مغول، اتابک فارس شد.

تا عهد دوستی تازه کند و مودّت جوینی‌ها را اندازه. وز آن پس به شیراز باز می‌گردد.

او را به واسطه هنر بی‌بدیلش «ملک‌المتکلمین»، «پادشاه ملک سخن» و «رب‌النوع ادب پارسی» می‌خوانند و بر نکته‌دانی وی تأکید کرده، بر این امر صحه می‌گذارند که: «سعیدیا خوش‌تر از حدیث تو نیست / تحفه روزگار حل سناخت» (۱۳۷۶، ص ۴۲۲). از این روست که اعجازش را در کلام می‌ستایند و آفرینشش را در خلق معانی به ثنا می‌نشینند، حظ نفس و لذت من را را در معانی با کلامش به غایت می‌یابند و سلطان یگانه ملک سخنش می‌خوانند. «این قولی است که جملگی برآند».

سخنانش نکتۀ لایه‌ری است که هوش نیوشنده می‌رباید و زلالی بی‌پایان کلامش ذوق سلیم را ملاطفت روح‌افزایی می‌آفریند. صافی آبگینه کلامش، روانی چشمه‌ساران آماش، جان‌بخشی معانی‌اش، تکریم بسیار را شاید و گرچه در بحر مکاشفۀ مسخره‌ایم، حالی که از این معامله به درآیم، به قدر وسع خویش و نه به بلندای نام شیخ، خوشه برچینیم و هم از این روست که «سهل و ممتنع» غایت اندیشه ما است و رثای او، نه والا جایگاه کلام و روشن‌نای بیان و تعظیم شأن او: «تشبیه روح تو به منم من به آفتاب / کاین مدح آفتاب، نه تعظیم شأن توست» (۱۳۷۶، ص ۴۳۲).

لطافت طبعش به «پرویزن معرفت بیخته» و «مهد باراتش» به بلندای معانی برآمیخته. از این روست که حتی «تلخ داروی بند در حران او» «شربتی است سودمند» که گوش هوش می‌رباید و ما را مجال سخن بیش در بیان او نیست که «کمال حسن ببندد کمال گویایی» و «ما را همین سر است که بر آستان توست».

نه به دوران خویش که به روزگاران، از آوازه نام و کمال فضل و بلاغت خویش به فراست آگاه بود و نیک می‌دانست که: «ذکر جمیلش در افواه عوام

افتاده، صیت سخنش در بسیط زمین رفته، قَصَب‌الجیب حدیثش را همچون شکر می‌خورند و رقعۀ منشآتش را چون کاغذ زر می‌برند» (۱۳۷۶، ص ۳۰). حکمت‌دانی است که «بیندیشد، آن‌گه بگوید سخن» و فرایند این رویکرد چنان شد که آثارش «چو قوس و قزح بود بر آفتاب». به ناگزیر نه کافۀ انام^۱، از خرابی و عوام که هفت اقلیم به محبت وی گراییده‌اند و شهرت آثارش چنان شد که: «شنیدم هرچه در شیراز گویند/ به هفت اقلیم عالم باز گویند» (۱۳۷۶، ص ۱۴).

در خلق معانی دست در چیره داشت، نیک‌رأی بود و نیک‌تدبیر، جوانمرد و جوان‌طبع و جهانگیر هم بر این سیاق روزگار می‌گذرانید و به کسب دانش و خلق و آفرینش آثار کران‌کنگ خویش دست می‌یازید؛ آثاری که دستی در حکمت و بینش داشت و روی در هر خاصه او. و بر این قرار کلیات خویش را طرحی ماندگار در انداخت.

سعدی در سال ۶۹۱ هجری قرار دادن را به عزم رفتن و انهاد و روی در عالم اعلی کشید. «هر که نشنیده‌ست وفتی و... / گو به شیراز آی و خاک من بیوی» (۱۳۷۶، ص ۶۴۶).



در این مجال کوتاه برآنیم تا به قدر همت خویش و نه چنان که بایسته شأن بلند اوست، به شناخت و معرفی شاعر بلندآوازه ایران‌زمین، سعدی شیرازی بپردازیم و تعالی نام و جامع آثار و باورهای او را کنکاش و بررسی کنیم.